

سود انباشته همیشه یکی از منابع تامین مالی بلند مدت برای شرکتها بوده است. معمولاً شرکتهای سهامی عام 35% سود خالص (سود پس از کسر مالیات) را به حساب سود انباشته منظور می کنند. از آنجایی که بخشی از سود سالانه به صاحبان سهام داده میشود و بخشی دیگر به حساب سود انباشته منظور میگردد هیات مدیره میتواند سیاستهای مربوط به تقسیم سود را به عنوان یک راهنما مورد استفاده قرار دهد.

هدفهای سیاست تقسیم سود: هدف اصلی هر واحد تجاری کسب سود و حد اکثر کردن ثروت سهامداران است بنابراین هدف از اجرای چنین سیاستی تعیین نقشی است که آن سیاست در به حداکثر رسانیدن ثروت سهامداران دارد.

عواملی که بر سیاست تقسیم سود اثر میگذارد: 1- سود انباشته به عنوان یک منبع تامین مالی

- 2 ترکیب ساختار سرمایه

- 3 نیاز سهامداران

- 4 محدودیتهای قانونی

- 1 سود انباشته به عنوان یک منبع تامین مالی

اولین موردی که در سیاست گذاری تقسیم سود مورد توجه قرار میگیرد سود انباشته است زیرا اندوخته کردن سود یکی از منابع تامین مالی است.

در همین رابطه میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) هزینه سرمایه - هزینه خاص سرمایه مربوط به سود انباشته از هزینه خاص سرمایه مربوط به اوراق قرضه و سهام ممتاز بیشتر است ولی از این بابت سود یا بهره مربوط به اوراق قرضه و سهام ممتاز پرداخت نمیشود.

ب) جاننشینی برای سهام عادی - اگر سهام عادی در دست عده ای خاص باشد و انتشار سهام جدید از نظر مالکیت مسائلی را به وجود آورد بهتر است برای تامین مالی از سود انباشته استفاده گردد.

ج) عدم دسترسی به منابع مالی دیگر - مثلاً در حالتی که بازاری برای سهام عادی نباشد.

د) مساله زمان - گاهی اوقات شرکتهای مجبورند به خاطر مسائلی مانند تورم انتشار سهام جدید یا اوراق قرضه را به تاخیر اندازند در این حالت بهترین کار استفاده از سود انباشته به عنوان منبع تامین مالی است.

- 2 حفظ ساختار سرمایه

معمولاً در زمان تدوین سیاست تقسیم سود شرکت میزان و درصد اجزای تشکیل دهنده سرمایه نیز تعیین میگردد که به دو عامل بستگی دارد:

الف) انعطاف پذیری در تامین مالی یعنی اینکه شرکت تا حد معینی میتواند از استقراض برای تامین مالی استفاده کند در غیر این صورت ریسک شرکت بالا میرود و شرکت قادر نخواهد بود در سالهای بعد از طریق استقراض تامین مالی کند ولی انتشار سهام عادی یا افزایش سرمایه از محل سود انباشته مینایی میشود که شرکت در آینده به پشتوانه آن از طریق استقراض میتواند تامین مالی کند.

ب) سیاست تقسیم سود باقیمانده اگر درصد ترکیب ساختار سرمایه شرکتی مشخص باشد باید مقدار مشخصی از سرمایه مورد نیاز از محل نگهداری سود شرکت تامین شود باقیمانده سود به صاحبان سهام پرداخت خواهد شد یعنی سیاست تقسیم سود بر این اساس تدوین میگردد که آن میزان از سود شرکت که بر اساس ساختار

سرمایه مطلوب مورد نیاز نیست به سهامداران پرداخت گردد. اگرچه اندوخته کردن سود برای تامین مالی پروژه های سرمایه گذاری باعث کاهش پرداخت سود در همان سال میشود ولی با شروع بهره برداری از طرح های سرمایه ای میزان سود خالص پرداختی شرکتها در سالهای بعد افزایش می یابد.

– 3 نیاز سهامداران

سومین عامل در تدوین سیاست تقسیم سود نیاز سهامداران سهام عادی است. اصولاً سهامداران یا به این هدف سهام را خریداری میکنند که به صورت مستمر و سالانه سود دریافت کنند و یا به امید منفعت از افزایش قیمت سهام اقدام به خرید سهام می کنند و یا با هدف دریافت سود و افزایش قیمت سهام عادی خریداری میکنند.

اگر شرکتی سیاستی با ثبات تقسیم سود در نظر بگیرد آن دسته از سهامداران که هدف آنها دریافت سود مستمر سالانه است اقدام به خرید این سهام خواهند کرد. برخی از شرکتهایی که هر سال مبلغ ثابتی را به عنوان سود سهام پرداخت میکنند در اجرای این سیاست آثار توری را نیز در نظر میگیرند و سعی میکنند با توجه به نرخ تورم میزان سود پرداختی هر سال را افزایش دهند.

میزان سود سهام پیشنهادی هیات مدیره معمولاً حاوی اطلاعاتی در مورد سود آوری آتی شرکت است. تغییر غیر منتظره سود تقسیمی دارای محتوای اطلاعاتی مهمی است به ویژه زمانی که میزان سود تقسیمی کاهش یابد یا اصلاً پرداخت نشود که نشان میدهد سود سالهای آتی کاهش خواهد یافت.

– 4 محدودیت های قانونی

چهارمین عامل که در سیاست تقسیم سود اهمیت دارد محدودیت های قانونی است. معمولاً برخی از مقررات به مدیر شرکت اجازه نمیدهد هر طور که میخواهد در تعیین و پرداخت سود عمل کند.

دو نمونه از این قیود عبارت اند از:

الف) قید و بند های قرارداد وام قرارداد برخی از وام ها به شرکت اجازه نمیدهد که بر میزان سود تقسیمی بیافزایند و حتی گاهی شرکت را مجبور میکنند تا سود تقسیمی را کاهش دهند.

ب) شرایط مربوط به سهام ممتاز شرکتها تا سود سهامداران ممتاز را پرداخت نکنند نمیتوانند سود سهامداران عادی را پرداخت کنند و اگر سهام ممتاز با حق انباشت سود باشد باید ابتدا سودهای معوق را پرداخت کنند.

سیاست های متداول تقسیم سود در شرکتها اکثر شرکتها در سیاست تقسیم سود از یکی از سه روش زیر استفاده میکنند:

– 1 نسبت سود تقسیمی ثابت

– 2 سود ثابت

– 3 پرداخت منظم سود ثابت همراه با مبلغ اضافی

– 1 نسبت سود تقسیمی ثابت

این روش به سه قسمت تقسیم میشود:

الف) پرداخت درصد ثابتی از سود سالانه

ب) پرداخت سود سهام به صورت درصد ثابت و مشخصی از سود خالص سالهای قبل

ج) انتخاب درصدی از سود تقسیمی مطلوب که قرار است در بلند مدت رعایت شود که درصد سود تقسیمی واقعی میتواند کمتر یا بیشتر از درصد مطلوب باشد ولی شرکت می‌کوشد درصد سود تقسیمی واقعی را نزدیک به درصد مطلوب نگه دارد.

– 2 سود ثابت

متداول‌ترین روشی که اغلب شرکتها در سالهای اخیر پیش گرفته‌اند این است که سالانه از بابت سود هر سهم مبلغ معینی پرداخت کنند و با افزایش سود شرکت به تدریج بر این مبلغ بیافزایند. شرکتی که چنین سیاستی را اعمال میکند این پیام را به سهامداران خود میدهد که شرکت از نظر سود آوری و قدرت نقدینگی در وضع بسیار خوبی قرار دارد.

– 3 پرداخت منظم سود ثابت همراه با مبلغ اضافی

سیاست برخی از شرکتها بدین منوال است که هر سال مبلغی را به عنوان سود ثابت پرداخت میکنند و با افزایش سود شرکت مبلغ این سود را افزایش میدهند. مزیت دادن مبلغ اضافی در این است که شرکت میتواند حسب ضرورت مبالغ اضافی را قطع کند بدون اینکه از میزان سود تقسیمی هر سهم بکاهد. عیب این سیاست این است که توقع سهامداران را بالا میبرد که اگر این مبالغ اضافی پرداخت نگردد احيانا قیمت بازار سهام شرکت کاهش می‌یابد.

شیوه پرداخت سود سهامدر بعضی از کشورها مانند امریکا سود سهام به صورت فصلی یعنی هر سه ماه یکبار پرداخت میشود در برخی از موارد نیز سهامداران سهام عادی سود تقسیمی را مجدداً در همان شرکت سرمایه‌گذاری میکنند و به جای پول نقد سهام دریافت میکنند.

- 1 پرداخت سود سهام به صورت نقد

فرایند پرداخت سود سهام دارای چهار تاریخ مشخص است که عبارت‌اند از تاریخ اعلام – تاریخ ثبت – تاریخ موثر در بورس – تاریخ پرداخت سود.

- تاریخ اعلام :

تاریخ اعلام سود روزی است که هیات مدیره و یا مجمع عمومی عادی صاحبان سهام (در ایران) در مورد سود پرداختی تصمیم میگیرند و نتیجه تصمیمات خود را اعلام می‌کنند. مثلاً مجمع عمومی در تاریخ اول تیر در مورد سود تقسیمی تصمیم میگیرد و تاریخ اعلام اول تیر است.

- تاریخ ثبت در دفاتر :

سود سهامی که هیات مدیره یا مجمع عمومی یک شرکت اعلام میکند به کسی پرداخت میشود که در تاریخ معینی نام وی به عنوان صاحب سهم در دفاتر سهام به ثبت رسیده باشد.

- تاریخ موثر :

طبق مقررات کسی که سهام شرکتی را خریداری میکند چهار روز کاری طول میکشد تا این سهام در دفتر سهام شرکت ثبت شود. در نتیجه زمانی که سود سهام اعلام میشود سود به کسی تعلق خواهد گرفت که چهار روز قبل از تاریخ ثبت اقدام به خرید سهام کرده باشد. اگر کسی بعد از تاریخ موثر سهام خریداری کند سود سهام به فروشنده سهام میرسد.

- تاریخ پرداخت :

پس از اعلام سود تقسیمی و اعلام نام کسانی که مطابق دفاتر شرکت مستحق دریافت سود هستند شرکت اقدام به کشیدن چک در وجه سهامداران میکند .

- 2 سرمایه گذاری مجدد سود سهام

بسیاری از شرکتهای بزرگ برنامه هایی را به اجرا میگذارند که به موجب آن سهامداران میتوانند به جای دریافت سود سهام به صورت وجه نقد مجددا در همان شرکت و با خرید سهام جدید سرمایه گذاری کنند که البته مالیات مربوط به آن سود را باید بپردازند ولی از هزینه های مربوط به نقل و انتقال سهام معاف میشوند .
- سهام جایزه :

برخی از شرکتهای به جای پرداخت وجه نقد به سهامداران خود سود سهمی یا سهام جایزه میدهند . مثلا اگر شرکتی اعلام کند به صاحبان سهام عادی 10 درصد سهام جایزه میدهد بدان معنی است که هر کس که فرضا 10 سهم عادی دارد یک سهم جدید دریافت میکند . شیوه حسابداری آن نیز بدان صورت است که سود انباشته شرکت به اندازه ارزش بازار سهام جایزه بدهکار و سرمایه و صرف سهام بستانکار میشود .

- تجزیه سهام :

آثار مالی از تجزیه سهام مشابه سهام عادی است با این تفاوت که میزان یا نسبت انتشار سهام جدید در تجزیه سهام بسیار بیشتر از سهام جایزه است . مثلا اگر شرکتی 500000 سهام 1000 ریالی دارد و بخواهد در ازای هر سهم 2 سهم پرداخت کند در نتیجه پس از تجزیه سهام 1000000 سهم 500 ریالی خواهد داشت .
میبینیم که بر عکس سهام جایزه سود انباشته و صرف سهام تغییری نخواهد کرد .

نکاتی در مورد سهام جایزه و تجزیه سهام 1 – دادن سهام جایزه باعث تغییر ترکیب حسابهای حقوق صاحبان سهام میشود ولی بر کل دارایی ها و بدهی ها و حقوق صاحبان سهام تاثیری نخواهد گذاشت . تجزیه سهام فقط ارزش اسمی سهام عادی را کاهش میدهد و هیچ تغییری در ساختار حقوق صاحبان سهام ایجاد نخواهد کرد .

– 2 سهام جایزه و تجزیه سهام ثروت سهامداران را افزایش نمیدهد زیرا قیمت بازار هر سهم و سود هر سهم متناسب با مقدار سهام جدید کاهش می یابد ولی نسبت یا درصد مالکیت سهامداران ثابت خواهد ماند .

– 3 سهام جایزه و تجزیه سهام مشمول مالیات نمیشوند و با توجه به کاهش قیمت و سود هر سهم متناسب با مقدار سهام جدید این معافیت مالیاتی باعث افزایش ثروت سهامداران نمیشود .

– 4 سیاست تقسیم سود برخی از شرکتهای بدین منوال است که هم سهام جایزه بدهند و هم اینکه مقداری از سود سالانه شرکت را به صورت نقدی پرداخت کنند

سایت علمی دانشجویان ایران